

# سرمایه اجتماعی

## در حال فرسایش است

پایان نظم  
فرانسیس فوکویاما  
غلامعباس توسلی  
جامعه ایرانیان  
۱۳۷۹، ۳۰۰۰ نسخه

○ محمود شارع پور  
عضو هیات علمی دانشگاه مازندران

سلطه روزافزون و... سبب پیدایش دلزدگی و احتیاط در روابط اجتماعی موجود در کلان شهر شده است. به موازات افزایش افراد روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده و جای خود را به نوع دیگری از روابط می‌دهند. به اعتقاد زیمل، نتیجه چنین شرایطی، ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی است.

جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در یک جامعه از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جستند. اما سرمایه اجتماعی در جامعه چیست؟ منظور از سرمایه اجتماعی عبارت است از سرمایه و منابعی که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر (و نوع این ارتباطات) می‌توانند به دست آورند (بوردیو ۱۹۸۶، کلمن ۱۹۸۸، پوتنام ۱۹۹۳). براساس تعریف بوردیو سرمایه اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بانوایی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها می‌باشد.

در واقع، پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشد یعنی: مثبت و مبتنی بر اعتماد. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آنست که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبمی برای افراد آن گروه عمل نماید. کلمن وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد اطلاع‌رسانی و ضمانت اجراهای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه موثر می‌داند.

از دید فوکویاما، یکی از منابع اصلی برای تولید سرمایه اجتماعی در سطح جهانی، خانواده است. ولی او به نقش ساختار و کارکردهای خانواده در تولید این نوع سرمایه توجه چندانی ننموده است. پس از آن فوکویاما به ذکر دو ویژگی مهم سرمایه اجتماعی می‌پردازد: اول اینکه، سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست؛ نه انسان‌ها و افراد. و دوم اینکه، سرمایه اجتماعی لزوماً امر مطلوبی نیست. هرچند این عدم مطلوبیت که با توجه به علم سیاست و علم اقتصاد مطرح شده چندان مورد تحلیل قرار نگرفته است.

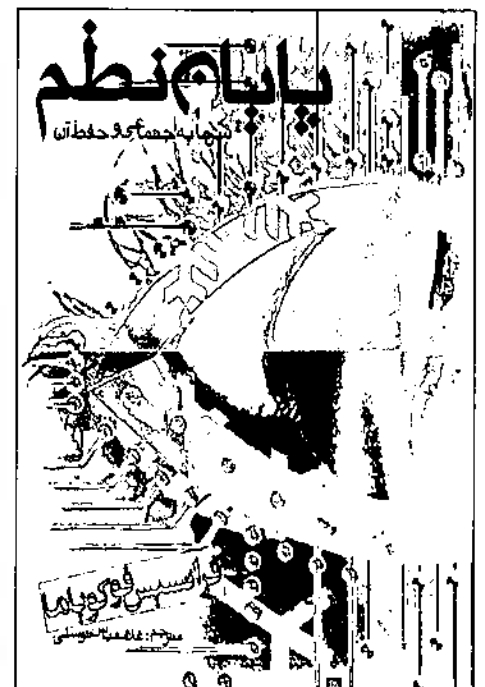
سپس نویسنده به بحث ارتباط توسعه اقتصادی و قواعد خردروزی می‌پردازد. آیا مدرنیت به معنای تضعیف هنجارهای اخلاقی است؟ بدون تردید، حرکت جامعه انسانی به سوی جامعه فراصنعتی یا تغییراتی در ارزش‌ها و هنجارها توأم بود

کتاب «پایان نظم» نوشته فرانسیس فوکویاما در سپتامبر ۱۹۹۷ توسط بنیاد بازار اجتماعی (The Social Market Foundation) منتشر گردیده است.

کتاب دارای سه بخش، ضمیمه و یادداشت‌ها می‌باشد. بخش اول تحت عنوان «چند موضوع مرتبط با یکدیگر» که حدود نیمی از کتاب را به خود اختصاص داده به عنوان مقدمه کتاب نیز ایفای نقش می‌کند. نویسنده در این قسمت سرمایه اجتماعی را به عنوان عامل مهمی که در تبیین ویژگی‌های خاص اقتصاد جهانی، کمتر مورد توجه قرار گرفته معرفی می‌نماید. به زبان خود او: «هن می‌خواهم... اینکه چطور سرمایه اجتماعی در اقتصاد تکنولوژی مدرن و پیچیده‌ای همچون اقتصاد ایالات متحده تولید و مصرف می‌شود را روشن سازم» (ص ۱۰).

برای نیل به این هدف او ابتدا به پاسخگویی به سوالات بنیادین می‌پردازد اینکه: سرمایه اجتماعی چیست؟ چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ از کجا می‌آید و اینکه چگونه می‌توان آن را افزایش داد؟ فوکویاما پس از ریشه‌یابی مفهوم سرمایه اجتماعی در آثار جین جاکوبه گن لوری، جیمز کلمن و رابرت پوتنام، در تعریف سرمایه اجتماعی می‌نویسد: «سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه مثبتی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهمیم هستند» (ص ۱۱). البته از نظر او هرگونه مشارکتی در ارزش‌ها و هنجارها منجر به تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود بلکه فقط آن دسته از هنجارهایی که مبتنی بر صداقت انجام تعهدات و ارتباطات متقابل می‌باشند می‌توانند در تولید سرمایه اجتماعی موثر باشند.

در واقع، دغدغه تنزل روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می‌خورد. شاید بتوان به تعبیری گفت که تولد جامعه‌شناسی معلول نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی در نتیجه صنعتی شدن و آغاز مدرنیت (Modernity) بوده است. جامعه‌شناسان اولیه درباره انتقال از گمن شافت به گزل شافت (تونیس ۱۸۸۷) و یا در مورد تأثیر زندگی شهری بر حیات انسانی (زیمل ۱۹۰۳) نظرات فراوانی ابراز داشته‌اند. به نظر زیمل، فرایندهای نظیر تقسیم کار فرایند عقلانیت مفرط،

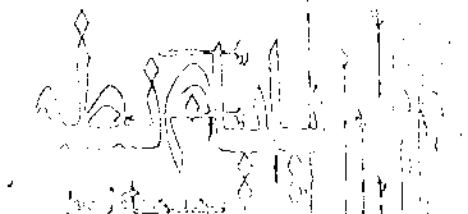


### چکیده

این کتاب به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در اقتصاد تکنولوژیک امروزی می‌پردازد. سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما محصور معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان ایشان مجاز است در آن سهم هستند و نیز سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند.

از دید فوکویاما یکی از منابع اصلی برای تولید سرمایه اجتماعی در سطح جهانی خانواده است. وی همچنین فقدان سرمایه اجتماعی را با رواج انحرافات اجتماعی (نظیر: جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، خوراکش مصرف مواد مخدر و...) مترادف می‌داند و نتیجه می‌گیرد که به جای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی می‌توان فقدان این سرمایه را با شاخص‌های فوق اندازه گرفت:

فوکویاما در این کتاب به مسایل دیگری نیز می‌پردازد از جمله شیوه‌های ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی. فواید اقتصادی سرمایه اجتماعی و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی براساس شعاع اعتماد و شعاع بی‌اعتمادی.



## کلن، وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع رسانی و ضمانت اجزای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه، مؤثر می‌داند

**نظام صنعتی جدید برای  
افزایش بهره‌وری به میزان  
بالتری از اعتماد و سرمایه اجتماعی در  
کارخانه‌های خود نیازمند است.  
نقش سرمایه اجتماعی  
در اقتصاد جدید و تقاضای  
مداوم اقتصاد جدید سرمایه داری برای  
دستیابی به سرمایه اجتماعی  
از اینجا ناشی می‌شود**

در حدیثی از امام علی

نظیر: اضمحلال خانواده و ظهور انواع گوناگون انحرافات اجتماعی. اما نقش سرمایه اجتماعی در این میان چیست؟ فوکویاما می‌نویسد: «جوامع مدرن که بر مبنای اصول روشنگری یعنی دموکراسی قانونی در حوزه سیاسی و بازار آزاد نظام سرمایه‌داری استوار شده بودند برحسب این جریان فکری، تنها به این علت توفیق یافته‌اند که قادر به زنده نگاه داشتن سرمایه اجتماعی انباشته شده قرون متمادی شده بودند» (ص ۱۵). فوکویاما بدون توجه به اجزای سرمایه اجتماعی به بحث در مورد سنجش این سرمایه روی می‌آورد. در حالی که بررسی ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی مشخص می‌سازد که این سرمایه دارای دو جزء است:

الف - پیوندهای عینی بین افراد: می‌بایستی نوعی ساختار شبکه‌ای عینی، برقرارکننده ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.

ب - پیوندهای ذهنی: پیوندهای بین افراد، باید دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و دارای هیجانات مثبت باشد. لذا می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد و پیوند می‌باشد. این دو جزء، معرف تقسیم‌بندی سنتی موجود در نظریه اجتماعی بین ساختار و محتوا (زیمل ۱۹۷۱) است. از بعد دیگر، می‌توان گفت که این دو جزء بیانگر جنبه‌های کمی و کیفی در سرمایه اجتماعی است.

نظریه پردازانی نظیر گیدنز (۱۹۹۰) همچنین بین دو نوع

اعتماد تمایز قائل می‌شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی دربرگیرنده آگاهی کمتر از مخاطره و از فردی است که موردا اعتماد قرار گرفته است. (لوهمن ۱۹۸۸). لذا در حالی که کنش‌گر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند (براساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌های او)، ولی او همچنین درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دگران تعمیم یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهای است. فوکویاما در ادامه به مسأله اندازه‌گیری و سنجش سرمایه اجتماعی می‌پردازد. در واقع، رابرت پوتنام از جمله نخستین افرادی بود که به این سنجش پرداخت. او در تهیه و گردآوری اطلاعات آماری از داده‌های مربوط به عضویت افراد در گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی و میزان اعتماد و مشارکت مردم در امور سیاسی از قبیل تمدد رأی دهندگان و تعداد خوانندگان نشریات استفاده نمود. فوکویاما ضمن ابراز تردید نسبت به نتایج پوتنام که مبتنی بر داده‌های غیرقابل اطمینان بوده است، در سنجش سرمایه اجتماعی به سه مشکل اشاره می‌کند: اول اینکه این سرمایه دارای بند کیفیتی مهمی است. لذا برای سنجش سرمایه اجتماعی یک گروه می‌باید درجه انسجام درون گروهی مورد توجه قرار گیرد. دوم اینکه، بعضی از اعضای گروه، بخشی از سرمایه اجتماعی خود را در خارج از گروه پیندا می‌کنند و سوم اینکه، بعضی از گروه‌ها به طور جدی و فعالانه دشمنی، تنفر، تعصب و حتی خشونت را نسبت به افراد غیر عضو ترویج کرده و روا می‌دانند.» (ص ۱۹)

فوکویاما با بیان مشکلات مربوط به سنجش سرمایه اجتماعی به این نتیجه‌گیری می‌رسد که به جای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی می‌توان فقدان این سرمایه را با شاخص‌هایی نظیر: میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، خودکشی، طرح دعاوی، فرار از پرداخت مالیات و نظایر آن سنجید. در واقع، او فقدان سرمایه اجتماعی را با رواج انحرافات اجتماعی، مترادف می‌داند و بدین ترتیب نوعی مقیاس منفی برای سرمایه اجتماعی فراهم می‌سازد.

به اعتقاد او، استفاده از اطلاعات مربوط به انحرافات اجتماعی به عنوان شاخص روند سرمایه اجتماعی می‌تواند مفید باشد. براساس همین نتیجه‌گیری، قسمت قابل توجهی از بخش اول کتاب به ارائه و تفسیر شاخص‌های انحرافات اجتماعی اختصاص یافته و برای مواردی مانند زوال خانواده هسته‌ای، طلاق، فرزندان نامشروع، جرم و جنایت، زشتکاری با کودکان، مصرف الکل و مواد مخدر، آمارها و نمودارهایی که بیان‌کننده وضعیت آمریکا و اروپا می‌باشد ارائه گردیده است. تأکید اصلی نویسنده در این قسمت بر فروپاشی خانواده و تأثیر آن بر روابط مبتنی بر اعتماد اجتماعی، کاهش عضویت افراد در انجمن‌های داوطلبانه، افزایش انحرافات اجتماعی، کاهش موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و... می‌باشد. در ادامه، فوکویاما به بررسی علل دگرگونی در هنجارهای خانوادگی پرداخته و از میان نظریات مختلف به تأثیر تغییر در ارزش‌ها تأکید دارد. این تغییرات ارزشی تحت تأثیر انگیزه‌های اقتصادی شکل می‌گیرند. بدین ترتیب او بین محرومیت، تضاد و فروپاشی خانواده نوعی رابطه علی برقرار می‌کند. به اعتقاد او «علت اینکه جوامع آسیایی و در مرتبه نخست ژاپن، توانسته‌اند از آن نوع مشکلات اجتماعی که آمریکای شمالی و اروپا با آن روبرو هستند اجتناب کنند این است که آنها به شدت با برابری زنان مخالفت کرده‌اند» (ص ۶۱). زیرا ورود زنان به عرصه کار در جوامع غربی توأم بوده است با کاهش هنجار مسؤلیت‌پذیری مردان.

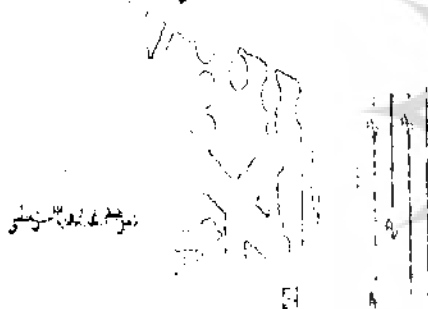
یکی از نکاتی که فوکویاما در بحث سنجش سرمایه اجتماعی از آن غفلت نموده این است که افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهای باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد. ممکن است کنش‌گر از فردی که اتومبیل او یا خانه او را ساخته آگاهی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت دارای میزانی از اعتماد باشد. برای ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح ملی، سنجش اعتماد به نهادهای مختلف اجتماعی، ضروری است. در حالی که اعتماد به افراد خاص می‌تواند در سطح خرد مهم باشد ولی اعتماد انتزاعی ویژگی مهم‌تری برای سرمایه اجتماعی در سطح ملی محسوب می‌شود.

بخش دوم کتاب تحت عنوان «فن‌آوری، سلسله مراتب و شبکه» به بحث در مورد فواید اقتصادی سرمایه اجتماعی و نحوه ایجاد این سرمایه می‌پردازد. مؤلف کتاب، ضمن مترادف شمرن سرمایه اجتماعی با هنجارهای اجتماعی تعاونی، به نقد دیدگاه‌هایی می‌پردازد که معتقدند هنجارهای ایجاد شده توسط نظام سرمایه‌داری، باعث نابودی این نظام می‌شود. این دیدگاه‌ها، سرمایه‌داری را عامل تضعیف وفاداری‌ها و تعهدات سنتی می‌دانند ولی غافل از آن هستند که این نظام، شبکه‌ای از هنجارها را جایگزین آن می‌سازد. به اعتقاد فوکویاما، با حرکت انسان‌ها از اقتصاد صنعتی به اقتصاد فراصنعتی، سرمایه اجتماعی اهمیت بیشتری می‌یابد. او سپس به تعریف شبکه از دیدگاه سرمایه اجتماعی پرداخته و آن را یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد معرفی می‌کند. براساس این تعریف شبکه با بازار تفاوت دارد، زیرا شبکه مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک بین افراد است و ارتباط بین آنها براساس محاسبات هزینه سود و عقلانیت اقتصادی که مبنای بازار است صورت نمی‌گیرد. به علاوه شبکه با سازمانی که دارای سلسله مراتب است نیز تفاوت دارد زیرا شبکه مبتنی بر هنجارهای مشترک غیررسمی است نه اقتدار رسمی. در نظام مبتنی بر سلسله مراتب بوروکراتیک و متمرکز همانند کارخانه تیلوری نیازی به هنجارهای اجتماعی غیررسمی و بالطبع به اعتماد و سرمایه اجتماعی نیست. زیرا این نظام انتظار کوچکترین خلاقیتی را از افراد ندارد. ولی این نظام تیلوریسم نتوانست پاسخگوی انتظارات اتحادیه‌های کارگری باشد. لذا تیلوریسم به طور وسیعی مورد تجدیدنظر قرار گرفت. «تبدیل سازمان سلسله‌مراتبی تیلوری به یک سازمان هموار یا شبکه‌ای، مستلزم جایگزین کردن کارکردهای هماهنگ از مقررات بوروکراتیک رسمی به هنجارهای اجتماعی غیررسمی است» (ص ۸۰). به دلیل نیل به بهره‌وری بالاتر، نظام صنعتی جدید به میزان بالاتری از اعتماد و سرمایه اجتماعی در کارخانه‌های خود نیازمند است. بدین ترتیب نقش سرمایه اجتماعی در اقتصاد جدید روشن شده و تقاضای مداوم اقتصاد جدید سرمایه‌داری برای دستیابی به سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود. اکنون سؤال این است که این سرمایه از کجا باید تأمین شود؟ به اعتقاد فوکویاما، ذخیره سرمایه اجتماعی در بیرون از اقتصاد بازار آزاد، در دو سطح: انفرادی و جامعه به عنوان یک کل، قرار دارد. در سطح فردی، می‌توان از طریق ایجاد فرهنگ‌های تعاونی و ایجاد حس هویت گروهی به این سرمایه نیل شد. برخی از صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها انگیزه زیادی برای سرمایه‌گذاری جهت سرمایه اجتماعی در درون واحدهای خود دارند ولی در بیرون از این محیط، تمایل زیادی برای چنین سرمایه‌گذاری ندارند.



**فوکویاما در سطح کلان،  
صرفاً به فواید اقتصادی سرمایه اجتماعی  
توجه می‌کند و از دیگر کارکردهای آن  
نظیر تأثیر سرمایه اجتماعی بر  
مشارکت سیاسی و دموکراسی،  
غفلت کرده است**

**به موازات رشد سرمایه انسانی و  
افزایش سطح تحصیلات اعضا خانواده،  
سرمایه اجتماعی که  
شاخص برجسته آن  
حضور بزرگسالان در خانه و  
میزان گفتگو بین والدین و فرزندان است  
کاهش یافته است**



نویسنده: دکتر سید علی حسینی

یکدیگر نیستند. یعنی هنجارهایی که پایه طبیعی دارند می‌توانند در عین حال به وسیله قانون، مذهب و فشارهای اجتماعی خودجوش تقویت شوند» (ص ۱۰۷).

در قسمت بعدی این بخش، نویسنده به ملزومات سیاست‌گذاری اجتماعی توجه کرده و معتقد است که نخستین اصل در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اجتناب از آسیب‌رسانی به سرمایه اجتماعی است. در شرایطی که دولت‌ها نتوانند به حراست از حقوق مالکیت بپردازند بی‌اعتمادی اجتماعی، جرم و جنایت در جامعه افزایش می‌یابد. به اعتقاد او، عدم توجه به تفاوت ساختار روانی مردان و زنان در سیاست‌های اجتماعی و نادیده گرفتن جنسیت، پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی را به دنبال خواهد داشت.

با عبور از دوره صنعتی به دوره فراصنعتی، هنجارهای اجتماعی و غیررسمی نقش جدیدی در تولید و نوآوری ایفا می‌کنند.

فوکویاما در نهایت به نتیجه‌گیری پویانام در مورد فرسایش قاطع سرمایه اجتماعی در آمریکا، اعتراض نموده و معتقد است که: «احتمالاً بخش‌هایی از جامعه آمریکا وجود دارد که نسبت به دوره‌های تاریخی قبل حاوی میزان بالاتری از سرمایه اجتماعی است» (ص ۱۱۸). او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که انتقال از گمن شافت به گزل شافت، وارد مرحله جدیدی شده است و به همین جهت لازم است تا آثار بزرگان جامعه‌شناسی را بازنویسی کرد.

قسمت پایانی کتاب، ضمیمه‌ای است که به بحث در مورد اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی می‌پردازد. فوکویاما به عوامل مختلفی در این زمینه توجه دارد. از جمله به نحوه ارتباط اعضای گروه با افراد خارج از گروه خود. به تعبیر او: پیوندهای مستحکم اخلاقی در داخل یک گروه در بعضی از موارد باعث کاهش میزان اعتماد اعضای آن گروه با افراد خارج از گروه و کاهش همکاری موثر با آنها می‌گردد. (ص ۱۲۶). لذا گاهی اوقات، پیوندهای درون گروهی می‌توانند به بروز روابط برون گروهی منفی منجر شوند که از این پدیده با عنوان شعاع بی‌اعتمادی یاد می‌شود. توجه به این پدیده در جوامعی که دارای تنوع قومی و فرهنگی هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. فوکویاما در انتهای کتاب خود سعی نموده با تکیه بر مفاهیمی نظیر: شعاع اعتماد و شعاع بی‌اعتمادی، فرمولی برای محاسبه کل سرمایه اجتماعی (SC) ارائه دهد. بخش

یادداشت‌ها نیز شامل ۵۹ مورد ارجاع به منابع مختلف است. کتاب «پایان نظم» از لحاظ جلب توجه جامعه بشری نسبت به فرسایش سرمایه اجتماعی، حائز اهمیت و ارزش می‌باشد. واقع امر اینکه، در طی چند دهه گذشته فرسایش

شدیدی در سرمایه اجتماعی موجود برای جوانان، هم در درون خانواده و هم در بیرون از آن، روی داده است. در درون خانواده رشد سرمایه انسانی بسیار زیاد شده به طوری که سطح تحصیلات دائماً در حال افزایش است. ولی به موازات رشد سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی که شاخص برجسته آن حضور بزرگسالان در خانه و میزان گفتگو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بین والدین و فرزندان است، کاهش یافته است. در اجتماع، میزان فرسایش و نابودی سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر بوده است. غیبت پدر از خانواده و محیط همسایگی در طول روز و اخیراً غیبت مادر از خانواده و ورود او به بازار کار مترادف با کاهش مشارکت والدین در سازمان‌های محلی نظیر انجمن اولیاء و مربیان و نظایر آن بوده است. به علاوه جامعه شدیداً در معرض تهاجم فردگرایی قرار گرفته که براساس آن منافع فردی بر مصالح جمعی تقدم

اکنون سؤال این است که چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی را در سطح کل جامعه افزایش داد؟ این موضوعی است که در بخش بعدی کتاب بنیان پرداخته شده است.

تأکید اصلی فوکویاما در بخش دوم صرفاً بر فواید اقتصادی سرمایه اجتماعی است و از توجه به دیگر کارکردهای این سرمایه غفلت نموده است. در این زمینه می‌توان گفت که عضویت داوطلبانه و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌ها از جمله پیامدهای اجتماعی و فرهنگی هستند که می‌توان انتظار داشت تا در شرایط وجود سرمایه اجتماعی بالا، زمینه مناسب‌تری برای تحقق یابند. به علاوه تحقیقات تجربی حکایت از آن دارند که سرمایه اجتماعی، پیوند مستقیمی با حفظ و بقای دموکراسی در جامعه دارد. بسیاری از تحقیقات اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که عضویت داوطلبانه افراد در انجمن‌ها و سازمان‌های غیررسمی منجر به تقویت مشارکت سیاسی می‌شود (به عنوان مثال: وریا و همکاران او، ۱۹۹۵). در همین راستا، تحقیقات نشان داده که پیوند افراد با جامعه، شانس مشارکت سیاسی آنها را افزایش می‌دهد. پویانام نیز در تحقیقات خود در ایتالیا به این نتیجه رسید که ارتباط زیادی بین سرمایه اجتماعی و عملکرد دموکراتیک نهادهای حکومتی وجود دارد، حتی زمانی که از لحاظ آماری، متغیر سطح توسعه اقتصادی مورد کنترل قرار گرفت. تحقیق پکستون نیز به همبستگی مثبتی بین دموکراسی و سرمایه اجتماعی در میان ۴۵ کشور مختلفه دست یافت. اینگلهارته پیش نیازهای اقتصادی و فرهنگی دموکراسی با ثبات را در چند عامل می‌داند: توسعه اقتصادی، درصد نیروی کار در بخش سوم، سال‌های تداوم دموکراسی و فرهنگ سیاسی یا مدنی. او ویژگی‌های این فرهنگ سیاسی را با سه شاخص نشان می‌دهد: اعتماد به یکدیگر، رضایت از زندگی، و حمایت از دگرگونی انقلابی. مطالعات اینگلهارته حکایت از آن دارد که اعتماد به یکدیگر هم مانند رضایت از زندگی و خوشبختی همبستگی زیادی با سطح توسعه اقتصادی دارد. ولی معلوم نیست که آیا این همبستگی بدین دلیل است که اعتماد به یکدیگر موجب توسعه اقتصادی می‌شود یا اینکه توسعه اقتصادی به افزایش احساس امنیت که موجب اعتماد است می‌انجامد. و یا اینکه هر دو فرآیند متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند.

بخش سوم تحت عنوان «سرچشمه‌های نظم» به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان هنجارهای غیررسمی لازم برای سرمایه اجتماعی را ایجاد و تقویت نمود؟

به عبارت دیگر منشأ و خاستگاه سرمایه اجتماعی و هنجارهای همیاری چیست؟ در این بخش، همچنین روش‌های عملی که از طریق آنها هنجارهای اجتماعی و تعاونی می‌توانند به وجود آیند، شناسایی شده است. این منابع سرمایه اجتماعی عبارتند از: ۱- ساخته شده به صورت نهادی مثلاً از طریق قوانین و نظام‌های قانونی ۲- ساخته شده به صورت خودجوش که از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند.

۳- ساخته شده به صورت برون‌زاد که منظور آن است که سرچشمه هنجارها غیر از همان اجتماعی که در آن به کار می‌روند و در این میان نقش دین اینتلوژزی و فرهنگ بسیار برجسته است. به همین جهت ویر به تأثیر دین در ایجاد شبکه‌های اعتماد که وجود آنها برای روابط تجاری و اقتصادی ضروری است، اشاره می‌کند.

۴- ساخته شده توسط طبیعت که بیشترین تأکید آن بر اهمیت نظام خویشاوندی است. بدین ترتیب چهارمنبع هنجارساز عبارتند از: قانون، فشارهای اجتماعی، مذهب و طبیعت. به اعتقاد فوکویاما: «بسیاری از این منابع متقابلاً نافی

یافته است. با توجه به کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی و اهمیت وافر آن برای فرد و جامعه لازم است سرمایه‌گذاری‌های جدیدی برای تضمین سرمایه اجتماعی جهت نسل آتی صورت پذیرد.

ترجمه کتاب پایان نظم و ارائه آن به جامعه از این جهت خدمت شایانی بوده است ولی ترجمه آقای توسلی دارای برخی نقایص تایپی و ویراستاری است که لازم است در چاپ‌های بعدی نسبت به رفع آنها اهتمام شود.

**مآخذ**  
**الف - منابع فارسی:**  
- اینگلهارته، رونالد تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، مترجم مریم وتر، انتشارات کویر، تهران ۱۳۷۳  
- زبیل، گنورگ «کلان شهر و حیات ذهنی»، مترجم یوسف ابلاغی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، تهران ۱۳۷۳  
- عبدی، عباس و محسن گودرزی، تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش، تهران ۱۳۷۸

**ب - منابع انگلیسی**  
- Coleman, J.S. (۱۹۸۸), 'Social Capital in the creation of Human Capital', American Journal of Sociology ۹۴:۹۵-۱۲۰.  
- Giddens, A. (۱۹۹۰), 'The consequences of Modernity', Stanford, calif: Stanford University Press.  
- Luhmann, N. (۱۹۹۶), 'Trust and Power', chichester: Wiley.